



شنبه ۸ شهریور ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۴۰۰

فرهنگ وهنر

اخبار

کتابی که آیت‌الله بروجرودی آن را «ضاله» اعلام کرد!

نمونه دیگر اینکه حجت‌الاسلام آقای وکیلی - خدا رحمتش کند- اشعاری گفته و فقه را به شعر درآورده

بود که چاپ هم شده است، در اولش راجع به عمر و ابوبکر چیزهایی نوشته بود. کتاب را به آیت‌الله العظمی بروجرودی نشان داده بود. آقای بروجرودی گفته بود این کتاب از «کتب ضاله» است؛ حق نداری منتشر کنی. این قسمت‌ها را برو عوض کن. ایشان عقیده نداشت که کتابی چاپ کنیم و در آن به عمر و ابوبکر لعن کنیم. من یادم هست در همان زمان‌ها... جو ضد سنی‌گری و مراسم نهم ربیع داشت گل می‌کرد. آن وقت دهه صفر بود و دنبالش هم نهم ربیع بود که به عنوان عید عمر در اصفهان معر که بود. من در همان زمان‌ها آمدم قم.

یک روز پیش آقای بروجرودی بودم، آقای حاج سیدمحمدباقر ابطعی هم پدر خانمش را آورده بود آنجا به آقای بروجرودی معرفی کند. یک‌دفعه آقای بروجرودی فرمودند: «آقا! این چه وضعی است در اصفهان؟ در وقتی که اسرائیل حمله کرده، کانال سوئز را دارد می‌گیرد، در مصر مسلمانان این‌طور گرفتارند، ما بیاییم جنگ شیعه و سنی راه بیندازیم؟ در اصفهان این چه وضعی است؟»

خلاصه آقای بروجرودی از این وضع عصبانی بود. پیدا بود از آن جو عید عمر گرفتن اصفهان خیلی ناراحت است. آن فتوای معروف شیخ شلتوت را هم که همه می‌دانند؛ آن فتوا که در آن شلتوت، فقه شیعه را به رسمیت شناخت در اثر فعالیت آیت‌الله بروجرودی بود. ایشان به این جور علما کمک می‌کرد، افراد می‌فرستاد با آنان ارتباط برقرار می‌کرد. ایشان دارالتقرب را تأیید می‌کرد، به اشخ محمدتقی کمک می‌کرد، گاهی از علمای سنی‌مذهب خارج از کشور که به ایران می‌آمدند تجلیل می‌کرد و به آنها احترام می‌گذاشت. می‌گفتند در مسائل اسلامی، شیعه و سنی باید با هم هماهنگ باشند.

مهدی مسائلی

نهم ربیع؛ جهالت‌ها و خسارت‌ها
(چاپ دوم، قم: انتشارات ونوق، ۱۳۸۷)
صفحات ۱۲۴ و ۱۲۵

آقازاده در دقیقه منهای ۱۲۰!

ساعت حدود دوونیم بعدازظهر روز ۸ شهریور سال ۶۰ را اعلام می‌داشت. او از اتاق کارش در ساختمان ریاست جمهوری با گام‌هایی آچنان، که استواری و صلابت از آنها می‌ریخت، وارد حال شد و به ایوان مشرف به پله‌های پایین ساختمان رسید. برادر متعهد راننده ایشان (که اغلب برادران نزدیک، وی را خوب می‌شناسند) فکر کرد که برادر رجایی می‌خواهد به خارج از ساختمان ریاست جمهوری و راه دور برود، خود را آماده کرد و در اول پله‌ها خودش را به او رسانید.

چون موقعیت را مناسب دید، فرصت را مغتنم شمرد و خواست درباره فرزند و تنها پسر نوجوان برادر رجایی که بعضی وقت‌ها به دفتر ریاست جمهوری می‌آمد و بر حسب تمایل نوجوانی، می‌خواست گاهی یکی از موتورهای موجود در دفتر را سوار شود صحبتی بکند. لذا خود را نزدیکتر رساند و گفت: آقا رجایی! فرزندان، آقا کمال، علاقه دارد یکی از این موتور‌ها را بپوشد، چون اجازه نداشتیم، چند بار هم مانع شدیم و نخواستیم خلافی صورت گرفته باشد؛ اینک خواستم از شما استعفا کنم اگر موافق باشید، اجازه دهید یکی از آنها را گاهی در اختیارشان بگذاریم که خواسته این نوجوان ارضا شود.

برادر رجایی که همین‌طور از پله‌ها پایین می‌آمد، گفت: کدام موتور‌ها؟ پاسخ داد: همین موتور‌ها که در جنب این پله‌هاست. و او که شش‌گردد و تربیت‌یافته مکتب عدالت علی‌علیه‌السلام بود و نهج البلاغه را خوب خوانده و دستور‌اتش را به‌کار بسته و حتی برای وزرای دولتش نیز دیکته می‌کرد، در کمال صراحت و قاطعیت گفت: «فلائی! مگر این موتور‌ها مال پدر آقاکمال است که به ایشان اجازه سواری یکی از آنها را بدهم؟! اینها متعلق به ۳۶ میلیون نفر است. چگونه و با چه مجوزی موافقت بکنم که حق آنها را به آقاکمال بدهم تا از آن برای خواسته شخصی خود استفاده کند؟ حاشا و کلا!» و بعد با لحن ملایم که معمولاً پس از هر سخن با صلابتی به کار می‌گرفت، در پاسخ آن برادر که گفته بود: پس اجازه بدهید از بیرون برای ایشان تهیه کنم، با روشی معلمانه و رافت پدرا نه اظهار داشت: بله، البته پسرم آقاکمال خواسته‌ای دارد و حق هم دارد که چنین باشد اما وقتی که از این جلسه برگشتم، در این مورد با هم صحبت خواهیم کرد و چاره‌ای خواهیم اندیشید!

و... اما او دیگر هیچ‌گاه به‌رنگشت! چرا که تقریباً حدود ۲۰ دقیقه بعد، جانش را در راه تحقق همین اجرای حق و عدالت باخت و خود به ملکوت اعلا پرواز کرد.

حسن عسکری‌راد

خاطره‌هایی از شهید رجایی
سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
صفحات ۷۹ تا ۸۱

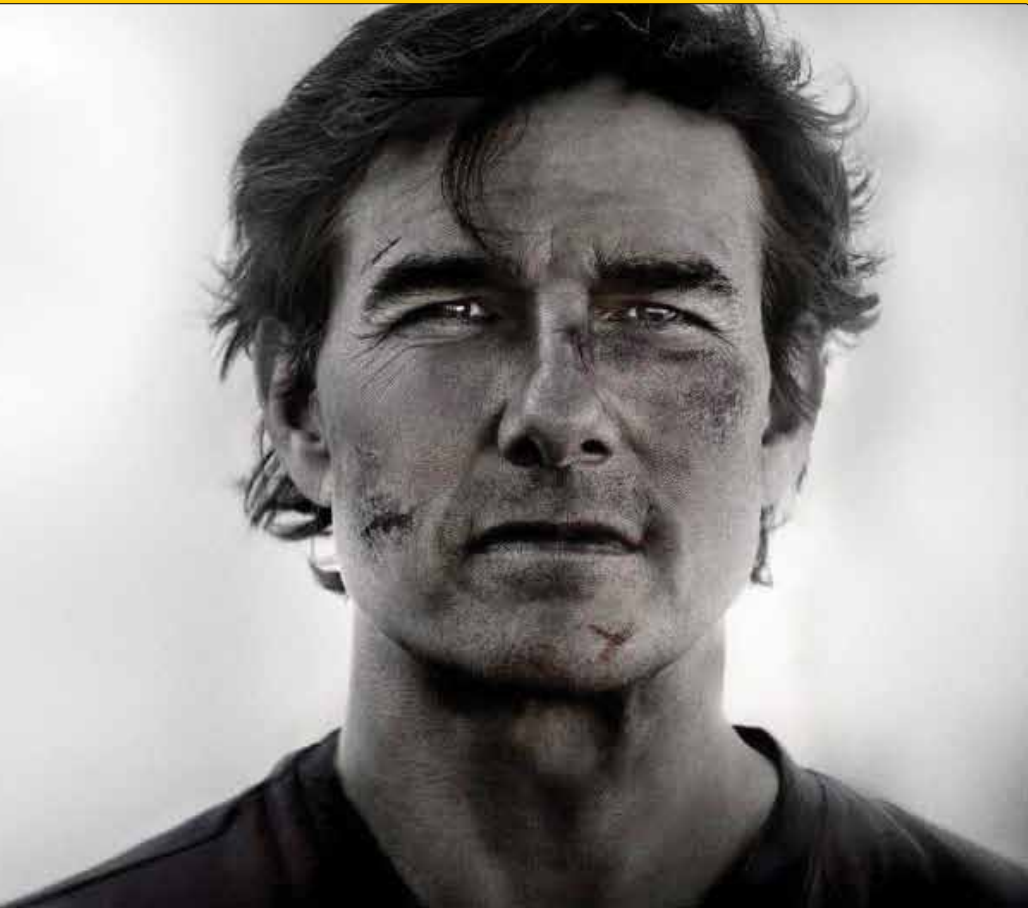
امام صادقی(ع)

خدا دنیا را به دوست و دشمنش عطا می‌کند ولی ایمان را فقط به کسی می‌دهد که او را دوست دارد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر عامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ شماره: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پيام‌سان: info@vatanemrooz.ir پست الکترونیک: vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم پرتز برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



بررسی آخرین قسمت

از مجموعه فیلم‌های «مأموریت غیر ممکن»

شلیک‌هاکیوود به کشتی نوح

را «موجودیت» می‌نامند، خودمختار و یابی شده و به صورت پیش‌رونده خود را تقویت کرده و به تمام فضای دیجیتالی جهان نفوذ می‌کند تا قدرتی استثنایی به دست بیاورد. «موجودیت» اکنون در تلاش است با نفوذ به سیستم زرادخانه اتمی قدرت‌های هسته‌ای جهان، تمام موشک‌های مجهز به کلاهک اتمی در جهان را در سراسر نقاط عالم بر زمین بکوبد و حیات انسان را در کره خاکی نابود کند.

ماموریت غیر ممکن ایثان هانت این بار این است که با رسیدن به منبع کد اولیه «موجودیت» که در یک زیر دریایی غرق شده در دریای برینگ در حوالی قطب شمال قرار دارد، قدرت این هوش مصنوعی را خاموش کند. این در حالی است که هم روس‌ها و هم مقامات آمریکایی علاقه دارند به نوعی کنترل «موجودیت» را بر عهده بگیرند و به یگانه قدرت بلامنازع جهانی تبدیل شوند.

امنیتی یابی سرویس‌های امنیتی جهان، یک بار جنون یک نظامی جنگ‌طلب روس برای آغاز حملات اتمی، یک بار اقدام ترو رستی برای انفجار هسته‌ای در مرز هندوستان، پاکستان و چین و خلاصه هر دفعه یک سوزه امنیتی جدید متناسب با کلان‌روایت بلوک غرب که آمریکا در آن منجی بشریت است، مامور ایثان هانت با بازی خیره‌کننده تام کروز را برمی‌انگیخت تا محیرالعقول‌ترین نقشه‌ها و خطرناک‌ترین اقدامات را برای به خاک مالیدن بینی دشمنان نظم آمریکایی در انواعی از لوکیشن‌ها و اقلیم‌های غیرمنتظره به کار ببندد و در انتها به‌سان یک افسر گمنام امنیتی در دل شلوغی جمعیت غیب شود.

سوزه قسمت آخر «مأموریت غیر ممکن» با عنوان فرعی «روزشمار نهایی» که با قسمت هفتم پیوستگی داستانی دارد، بسیار تازه است؛ هوش مصنوعی، داستان از این قرار است که یک ابزار هوش مصنوعی توسعه‌یافته توسط نظامیان که آن

تاکنون ۸ قسمت در امتداد آن ساخته شده و هیچ‌کدام هم نامیدکننده ظاهر نشده‌اند. «مأموریت غیر ممکن» از جمله معدود سری فیلم‌هایی است که هرگز افت نکرده و جاه‌طلبی ساختن قسمت‌های بعدی‌اش، صرفاً به طمع پول بیشتر نبوده، علاوه بر اهداف سرگرمی‌سازی در بالاترین سطح سینمای روز جهان، رسالت پروپاگاندایی پررنگی نیز برای این مجموعه مشابه بسیاری دیگر از فیلم‌های اکشن یا علمی - تخیلی هالیوودی مطرح است که اصلی‌ترین رمز موفقیت آنها در رسیدن به اهداف تبلیغاتی‌شان، کیفیت بالای ساخت و ارزش‌های سینمایی آنهاست.

در سری «مأموریت غیر ممکن»، هر بار یک سری موتیف‌هایی که از همان قسمت اول وجود داشت، در تمام قسمت‌ها ثابت می‌ماند اما داستان و رول‌پل بین طرفین دواهر با تغییر می‌کرد. یک بار ویروس کشنده برای جنگ بیولوژیک، یک بار ماموران

نیز مطرح بود به طوری که در قسمت چهارم، یک چهره امنیتی روس که انگیزه شیطانی برای به راه انداختن یک جنگ جهانی جدید دارد، مترصد پرتاب یک موشک مجهز به کلاهک اتمی به آمریکاست.

در قسمت ششم نیز تسکیلات مخوفی از نیروهای امنیتی فاسد جهان که در سیا و دیگر سرویس‌های امنیتی مهم غرب نفوذ دارند، به دنبال حمله اتمی به ۳ شهر مقدس جهان یعنی مکه، بیت‌المقدس و واتیکان هستند که پس از ناکامی در هندوستان را می‌کنند که علاوه بر کشتار انی، باعث آلودگی این نقشه شوم، قصد انفجار اتمی در مرز چین، پاکستان و رادپواکتیوی یخچال سیانچ به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین آب شیرین در شرق آسیا می‌شود و کسر مهمی از جمعیت جهان را اینگونه از بین می‌برد.

صلح‌طلب و انسان‌دوست ظاهر می‌شود که رئیس‌جمهور باوجدانش با روحیه مادرانه‌ای که از خود نشان می‌دهد، گویسی تنها صاحب قدرتی در جهان است که صلاحیت تصمیم‌گیری درباره استفاده از زرادخانه هسته‌ای و اساساً مسئولیت‌پذیری در گرفتن هرگونه تصمیم مدیرانه و انسانی را دارد؛ امری که در فیلم‌های استراتژیک دیگر مثل «پنهامر» نیز به پررنگی مطرح بوده ولی با حقیقت تاریخ چندان سنخیتی ندارد که از قضا تنها قدرتی در جهان که از این سلاح و برانرگر برای کشتار جمعی استفاده کرد، همین ایالات متحده آمریکاست و هم‌اکنون نیز مساله هسته‌ای را چماقی برای اعمال سلطه و زورگویی به کشورهای دیگر مثل کشور ما قرار داده است. مساله هسته‌ای و نگرانی از استفاده ترور رستی از آن در قسمت‌های قبلی «مأموریت غیر ممکن»

است که چنین گفتمانی به کلی در فیلم غایب است و همان آمریکای پشتیبان حقوق بین‌الملل و ارزش‌های انسان‌دوستانه در تبلیغات دموکرات‌ها در این فیلم نیز بازنمایی شده است. چیزی که «مأموریت غیر ممکن: روزشمار نهایی» نشان می‌دهد در راستای بحث قدیمی استراتژیست‌ها و نظریه‌پردازان امنیتی و نظامی و حتی دانشمندانی مثل انیشتین است که تسلیحات هسته‌ای به موجب ریسک بالایی که برای تهدید بقای بشر دارند و استفاده گسترده از آنها، تبعات ویرانگر غیرقابل وصفی در تمام ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و سلامتی در کل سیاره دارد، آینده جهان را می‌تواند در خطر وجودی قرار دهد.

در این فیلم البته ضمن ابراز نگرانی از چنین بحران عظیمی، همچنان ایالات متحده آمریکا به عنوان یک قدرت

باز هم هالیوود و باز هم آخرالزمان

این فیلم نشان می‌دهد وحشت سوزه غربی از آرم‌گدون هسته‌ای و رقابت تسلیحاتی با قدرت‌های جهانی که متعلق به فضای ذهنی دوران جنگ سرد است، همچنان زنده است و البته بیشتر از دل گفتمان دموکرات‌های آمریکایی بیرون می‌آید، چرا که رئیس‌جمهور آمریکا در این فیلم یک زن رنگین‌پوست و بسیار تداعی‌کننده کاملاً هریس است. علاوه بر این، همچنان مهم‌ترین رقیب آمریکا در قسمت هشتم «مأموریت غیر ممکن»، روسیه است که نماینده‌گانش در فیلم نظامیاتی بسیار خشک، بی‌ملاحظه و جنگ‌طلب‌اند. این در حالی است که آمریکای ترامپ، دیگر منطق مبتنی بر ارزش‌های لیبرال دموکراسی ندارد و بر رقابت اقتصادی و انزواگرایی به نفع تقویت داخل تأکید دارد و همین عامل نیز باعث اختلاف نظر ایالات متحده با اروپایی‌ها بر سر مناقشه اوکراین شده

نگرانی از هیولاهای دست‌ساز هوشمند

۲ قسمت آخر «مأموریت غیر ممکن» به جمع فیلم‌ها

و سریال‌های مهمی می‌پیوندد که نگرانی از قدرت گرفتن کامپیوتر‌ها را بازتاب می‌دهد.

در قرن بیستم، این نگرانی شاید خیلی انتزاعی و متکی بر تخیل به‌نظر می‌رسید و آنچه استنلی کوپربرک در «بیسه فضایی» و ری‌دلی اسکات در «لیدر راتر» نشان دادند، بیش از حد پیشگوییانه و دوراندیشانه بود و حتی «هاتریکس» نیز در زمانی ساخته شد که هنوز مردم جهان به نازگی داشتند با کامپیوتر‌ها خو می‌گرفتند. با پیشرفت روزافزون فناوری ارتباطات و اطلاعات و تحول دیجیتال اما بحث‌های قدیمی بر سر نگرانی از انقراض بشر توسط ربات‌ها و مصنوعات انسانی دوباره پررنگ‌تر شد. اندیشمندان و تنورسین‌های آینده‌پژوهشی و فناوری، مفهومی تحت عنوان «تکنیکی فناوری» را در این راستا مطرح می‌کنند. واژه تکنیکی در فیزیک درباره تبیین سیاه‌چاله مطرح بوده و نقطه‌ای را وصف می‌کند که جرم در آن به قدری فشرده شده که چیزی را اشغال نمی‌کند و یک جور چگالی بی‌نهایت را به وجود می‌آورد. در تعبیر «تکنیکی فناوری»، اوج‌گیری افسارگسیخته و پرشدت فناوری مدنظر است؛ یعنی زمانی که سرعت پیشرفت آنقدر بالا می‌رود که از کنترل انسان‌ها خارج می‌شود. به عنوان یک مصداق محوری، هوش

شلیک به کشتی حضرت نوح!

قهرمان فیلم ابلاغ می‌کنند و حتی موزیک محوری و مشهور مجموعه که امضای اصلی آن است، در این فیلم خفیف‌تر و کم‌مایه‌تر است. در حالی که جدیت و سطح سیاسی امنیتی سوزه بالاتر از تمام قسمت‌های قبل است که این بار مستقیماً رئیس‌جمهور آمریکا، تمام قدرت‌های اتمی جهان، ارتش آمریکا و روسیه را وارد داستان می‌کند و مرگ و زندگی تمام بشریت را به موفقیت ایثان هانت و تیمش گره می‌زند. طبیعتاً استاندارد فیلم از جهت قدرت تریخ آدرنالین در امتداد قسمت‌های قبلی است و با برترین آثار اکشن سینمای جهان قابل قیاس است. درباره مجموعه «مأموریت غیر ممکن» به طور کلی یک نکته

کنجکاو برانگیز و جذاب این است که تام کروز همواره اصرار داشته ایده‌های دشوار فیلمنامه را تا حد امکان بدون بدلکار و با توانایی بدنی واقعی خودش پیاده کند و این موضوع در کنار تلاش‌های کریستوفر نولان برای استفاده نکردن از جلوه‌های ویژه رایانه‌ای در ساختن سکسان‌های چالشی فیلم‌هایش، جزو مصداق کنجکاو برانگیزی و زنده بودن اصل سینمای آمریکاست که تلاش می‌کند مخاطب را با سالن‌های سینما آشتی دهد. در اینجا چند سکسان مهیج سطح بالا در حد سکسان‌های جذاب سری «مأموریت غیر ممکن» وجود دارد که یکی زیر آقیانوس و زیر زیر دریایی و دیگری در آسمان موقع

پرواز هواپیمای ملخی نفس‌مخاطب را در سینه حبسی می‌کند و همگی بسیار میخکوب‌کننده هستند. با این حال شاید عدم باورپذیری بعضی رویدادها و خرده‌استان‌های این قسمت و همچنین شلختگی روایی آن از جهت نوعی آشکار بودن تصنیی نقشه را برای کل تیم IMF، پایین‌تر از سطح انتظار ماز چنین اثر مهمی است که داعیه پایان‌بندی برای کل مجموعه را دارد. یادآوری این نکته ضررناست است که لااقل تا این لحظه ادعا شده دیگر «مأموریت غیر ممکن» جدیدی ساخته نخواهد شد و برای علاقه‌مندان این مجموعه، راهی جز مرور خاطرات خوش این ۸ قسمت باقی نمی‌ماند.